

ضرورت وحدت اسلامی در عرصه رویارویی تمدنها



وحدت اسلامی

وحدت اسلامی یکی از مهم ترین ضرورت ها برای ایستادگی در مواجهه با مسئله رویارویی تمدن هاست که بر همگان و به ویژه جنبش اسلامی فرض است که به آن اهتمام کنند و شرایط لازم برای آن را فراهم سازند و با تبیین راه و روش تحقق آن، زمینه را برای تحقق عملی آن آماده کنند. وحدت اسلامی پایگاه مناسبی است که جا دارد همه ضرورت ها بر بستر آن قرار گیرد. بی گمان اشتیاق فراوان و آرزوی بلند مسلمانان برای تحقق این آرمان نیز بهترین زیرساخت برای پی ریزی این ضرورت در نزد مسلمانان است که همواره به برپایی این بنای عظیم با نگاهی مثبت نگریسته اند؛ چنان که در جبهه مقابل نیز شاهدیم که دشمنان اسلام و مسلمانان، پیوسته برنقاط اختلاف و نشان دادن آثار جدایی و اختلاف در میان امت تأکید می کنند و اغلب در تلاشند با بزرگنمایی این نقاط و هیاهویی که بر سر آنها به راه می اندازند، این اختلافات را بزرگ نشان دهند.

این همه، حقیقتی روشن را در ارتباط با وحدت اسلامی نشان می دهند، و آن لزوم تغییر یافتن وحدت، از

حالتی شعارگونه همراه با احساسات آتشین، به اقدامی هدفمند است که «انگیزه ها» و «زمینه های روشنی» برای تحقق آن به چشم می خورد. وحدت اسلامی صرفاً آرزویی بزرگ و آرمانی عالی نیست بلکه، یکی از واجبات دینی و اسلامی است که از ضرورت های ملموس جهان اسلام و یکی از شروط اساسی توانمندی در عرصه رویارویی تمدن ها نیز به شمار می رود. در ادامه، بحث از «بایسته ها» و «عرصه های وحدت» را اندکی می گسترانیم:

بایسته های وحدت اسلامی

این جا به سه نکته بنیادی اشاره می کنیم:

1. وحدت اسلامی فراهم کننده قدرتی حقیقی است که پس از خداوند متعال، تکیه گاه استواری برای مسلمانان در رویارویی های فرهنگی و تمدنی به شمار می رود؛ زیرا اگر چه مسلمانان از نیروی عظیم انسانی، امکانات مادی فراوان، موقعیت های استراتژیک مهم، روحیه معنوی بالا، و فرهنگ و دیدگاه اعتقادی و فکری پیشرفته ای در نگرش به زندگی، برخوردار هستند، اما چنانچه میان این اجزا و عناصر پراکنده همسایگی ایجاد نکند -چنان که در حال حاضر، واقعیت امر چنین است- این مجموعه عظیم، بیش از طعمه ای در چنگال دشمنان نخواهد بود، که با بهره مندی از امکانات سهمناک مادی و شیطانی و با دل بستن به هواپرستی و شهوت ها و تمایلات نفسانی و مقام پرستی ها در جان و دل سست عنصران فریب خورده و درنده خو، با این آرمان متعالی به مقابله برخاسته اند. گزینه دیگر برای دشمنان اسلام آن است که امت اسلامی با پرداختن به اختلافات جزئی خود درون جامعه اسلامی، چشم بر اهداف حقیقی و بلند خویش فرو بندد و دست از آرمان های عالی خود بشوید.

2. وحدت اسلامی می تواند زمینه های گسترده ای برای پژوهش و بحث و بررسی و اجتهاد و استنباط از منابع اسلامی فراهم آورد و از این رهگذر به رویارویی های فکری- فرهنگی و حل مشکلات انسانی که ثمره پیشرفتهای مادی و تحولات علمی-اجتماعی است، توان ببخشد. گفتنی است چنین امکان وسیعی برای تحقیقات و بررسی ها تنها در سایه آرامش و تفاهم و آزادی ابراز عقیده و ارج نهادن به اندیشه و کوشش های دوستانه و برادرانه، به وقوع می پیوندد.

3. وحدت اسلامی هم چنین می تواند زمینه های رشد و پیشرفت را در تمامی جنبه های مادی و معنوی فراهم کند. این چنین، برای دیدگاه اسلامی از رهگذر تحقق بخشیدن به الگوی اجتماعی اسلام این امکان دست می دهد که سرمشق بودن و توانایی خود را بر حل مشکلات اجتماعی اثبات کند. پیشرفت اقتصادی، سیاسی-

فرهنگی، معنوی و اجتماعی توده های مسلمان، به این آرزوی دیرین تا حدود زیادی جامه عمل خواهد پوشاند و بدین ترتیب، وحدت اسلامی امکان می یابد در عین آن که اهداف بلند خود را در سطح «امت اسلامی» تحقق می بخشد، در خدمت انسانیت و پیشرفت های فرهنگ نسل انسانی نیز قرار گیرد.

عرصه های وحدت اسلامی

برای روشن ساختن تمامی جوانب موضوع، باید توجه داشته باشیم که منظور از وحدت اسلامی هرگز آن نیست که همه دیدگاه های اعتقادی، اجتهادی فقهی و نظریات سیاسی مسلمانان را در قالب اجتهاد و رأیی واحد ارائه کنیم (و از بقیه دست برداریم) بلکه مقصود، اتخاذ موضعی هماهنگ در قبال مسائل اساسی مسلمانان است که بر بستر انگیزه ها و ضرورت های پیشین، وحدت و انسجام را در میان آنان تجلی بخشد. مسائل اساسی مسلمانان از قبیل:

الف) ارائه دیدگاهی کلی و عمومی راجع به نقش دین در زندگی و اینکه آیا دین صرف رابطه ای روحی و پیوندی قلبی میان انسان و خدا و اعمال عبادی و مشی اخلاقی خاصی است که انسان به آن پایبند باشد؟ یا حوزه اثرگذاری دین، گسترده تر و فراتر از این، در برگیرنده همه جنبه های اجتماعی، اقتصادی، اداری، سیاسی و ارتباطات انسانی در زندگی است که در این میان نباید از نقش شریعت اسلامی در تنظیم زندگی این جهانی انسان غافل ماند.

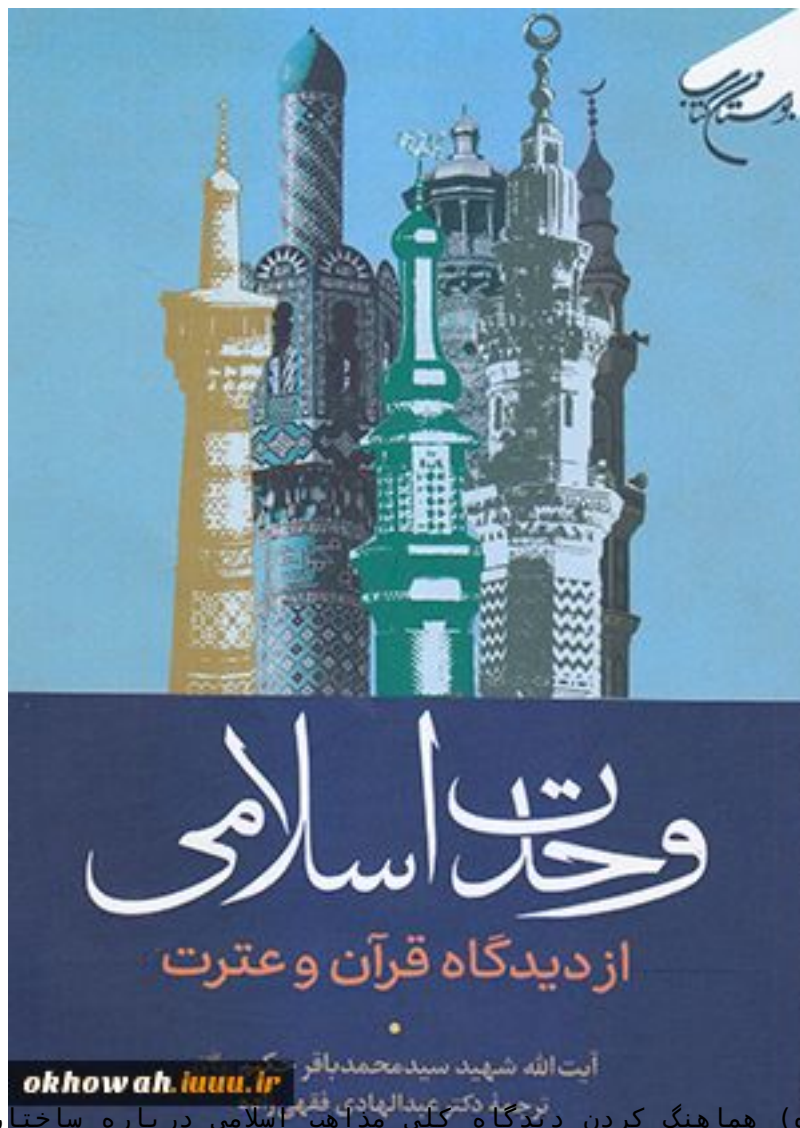
وقتی از ارائه دیدگاه کلی اسلام سخن می گوئیم طبعاً مقصود، یکایک مواضع سیاسی این و آن گروه نیست؛ زیرا این گونه مواضع در زمره همان اجتهادات جزئی و متنوع جای دارد؛ چنان که تردید نیست که نوعی اتفاق نظر کلی میان دانشمندان و اندیشه وران مسلمان درباره این دیدگاه کلی، وجود دارد و این به رغم اقدامات سیاست زده ای است که جریان های دشمن و فریب خوردگان آنان، انجام داده اند.

ب) اتخاذ موضعی کلی در قبال حقوق بشر در اندیشه و عمل و مناسک مسلمانان و حقوق اجتماعی پیروان مذاهب اسلامی؛ چنان که اولاً: نتوان پیروان این و آن مذهب را از حقوق اساسی خود که همراه دیگر شهروندان مسلمان در لزوم برخورداری از آنها مشترکند و صرفاً به سبب انتساب به مذهبی خاص، | محروم ساخت و ثانیاً: مسئله انتساب به مذهب خاص، به امتیاز یا نقطه ضعفی به نفع یا ضرر اشخاص، بدل نگردد.

ج) داشتن دیدگاهی کلی در قبال دشمنان اصلی اسلام، چه در جنبه اعتقادی، مانند جریان الحاد و اباحی گری اخلاقی یا در جنبه های سیاسی، همچون جریان کفر جهانی که اکنون در جامه سلطه طلبی ها و بهره کشیهای منفعت طلبانه و خارج از ارزش ها و آرمان های انسانی و منافع جمعی، ظاهر شده است؛ هم چنین نیروهای صهیونیسم جهانی و صلیبی که شب و روز در اثر کینه توزی های دیرین پیوسته در راه فریفتن مسلمانان و غارت هرچه بیشتر سرزمین ها و دارایی های آنان اقدام می کنند.

این نیروهای شیطنانی با برخورداری از ابزارهای فراوان مادی، برای گمراه کردن و تحریک نسل (جدید مسلمان)، و با در دست داشتن امکانات وسیع سیاسی - نظامی و علمی برای اعمال انواع فشارهای درونی و روحی، اکنون سرسخت ترین دشمن جامعه اسلامی به شمار می روند که نخست باید هوشیارانه عمل کرد و آنان را به درستی شناخت و سپس با شیوه ها و ترفندهای مزورانه آنان مقابله کرد.

د) اختلافات مذهبی که باید با نگاهی کلی و روشن به آنها نگریست تا بتوان برخورد صحیحی با آنها صورت داد، زیرا وحدت اسلامی به معنای متحد کردن همه مذاهب در یک مذهب مشترک مفهوم صحیحی ندارد و اساسا مبنای منطقی درستی نمی توان برای آن یافت. در این زمینه نخست باید آراء پیروان مذاهب و آیین های عبادی و شخصی آنان را محترم شمرد و آنگاه روش های تحقیق و بررسی و اسالیب نقد و گفت و گو درباره آنها را به دور از غرض ورزی ها و وشک و گمانها متحد کرد؛ چنان که ما در پایان مباحث کتاب روشی را مطرح کرده ایم که آن را در مسئله وحدت اسلامی، صحیح بر می شماریم.



ه) هماهنگ کردن دیدگاه کلی مذاهب اسلامی درباره ساختار حکومت اسلامی و نقش آن در زندگی سیاسی-اجتماعی که همچون عرصه دموکراسی در جهان معاصر، تناقضی میان شکل‌های مطروحه برای حکومت (و صورتهای گوناگونی که حکومت اسلامی می‌تواند داشته باشد) پیش نیاید؛ زیرا چنان که می‌دانیم در عرصه دموکراسی، علی‌رغم وجود اشکال متعدد از حکومت‌های دمکراتیک، همه معتقدان به دموکراسی در اصول و مبانی اساسی و نگرش خود درباره حکومت باهم مشترکند و در آن باب، اتفاق نظر دارند.

دیدگاه اسلامی با بهره‌مندی از میراث گرانبهای دینی و تجارب طولانی، در زمینه ارائه شیوه‌های مختلف برای حکومت ناتوان نیست و خواهد توانست به این اقدام دست زند. در هر صورت، تردید نیست که امت اسلامی در عرصه اتفاق بر موضع سیاسی واحد، نیازمند مرکزیت و رهبری واحدی است که در عمل و با تکیه بر واقعیت عینی و در صورت پدیدارشدن شرایط و لوازم وحدت اسلامی، خواه ناخواه ظهور خواهد کرد و به تجلی خواهد نشست.

منبع: سایت اخوت

